

نامعادله بنزین
پیچیده تر شد
(جراید)



کازتون محمدعلی رحیمی

راهکارهای
تسهیل ازدواج

کمیک / صفحه ۸

روزنوشت های مسئول
بهینه سازی سوخت

گیر کتی / صفحه ۵

پول زور را یک بار
می شود گرفت
کارمزد را همیشه!

میشه ایچور بره!! / صفحه ۲

پول زور را یک بار می‌شود گرفت، کارمزد را همیشه!



مرداد: از این پس برداشت پول از عابر بانک هم کارمزد خواهد داشت.

شهر یور: رئیس کل بانک مرکزی فرمودند: در شلوغ پلوعی بانک، یک کارمند ممکن است وسوسه شود و زمینه اختلاس را بایش فراهم آید. از آنجا که اگر شما مشتریان محترم به بانک نمی آمدید و شلوغ نمی شد، آن کارمند مظلوم هم گول شیطان را نمی خورد و اختلاسی رخ نمی داد. لذا زمین پس به ازای هر اختلاس، مقداری «کارمزد فراهم سازی بستر اختلاس» از حساب مشتریان کسر می شود!

مهر: طبق بخش نامه جدید بانک مرکزی، از آنجا که بعضی ها نام و نام خانوادگی طولانی دارند، پرکردن فیش های واریز و برداشت توسط این افراد، باعث صرف جوهـر زیادـی از خودکارهای بنـخ بسته شده بانک خواهد شد و استفاده از این حجم جوهـر، ممکن است بانک را در معرض خطر ورشکستگی قرار دهد! لذا پـس از کسانـی که اسم و فامیلشان بلند است، کارمزـد «طولانی بودن نام» گرفته می شود. تعرفه هر حرف مازاد، پس از بررسی های دقیق، کارشناس اعلام خواهد شد.

آبان: طبق اعلام بانک مرکزی، بانک‌های می‌توانند از تابستان سال آینده یک کارمندان را جلو درب بانک بفرستند تا از مردمی که فقط از جلو بانک رد می‌شوند، پول بگیرند. طبق توضیحات بانک مرکزی، این کار در ظاهر شبیه زورگیری است، اما قطعاً زورگیری نیست؛ زیرا اگر در فصل‌های گرم سال از جلو بانک رد شوید، ممکن است باد سردی از زیر شیشه سکوریت بانک به صورت شما بخورد و احساس خوشایندی کنید. این مبلغ، در واقع «کارمزد لذت از باد سرد» در فصل گرم است.

آذر: رئیس بانک مرکزی گفت: اگر برای مشاوره پیش یک روان شناس بروید، برای هر دقیقه باید کلی هزینه پرداخت کنید. اما اگر پیش کارمند بانک بروید و بپرسید «برای بازکردن حساب چه مدارکی لازم است؟» به شما جواب می دهند، ولی هیچ پولی از شما گرفته نمی شود. حتی اگر سلام کنید هم کارمند بانک بدون هیچ چشمداشتی به شما می گوید علیک سلام! این ها ظلم بزرگی در حق سیستم بانکی است. بنابراین باید «کارمند مشاوره اداری» هم از مشتریان گرفته شود.

اسفند: بانک مرکزی در آستانه پایان سال اعلام کرد کارمزد های نوین دیگری مثل «کارمزد برق آب سردکن»، «کارمزد لیوان یک بار مصرف»، «کارمزد اشغال صندلی در انتظار» و هزار مدل کارمزد ریز و درشت دیگر از دستاورد های بانک مرکزی است. ولی بعضی ها فقط به این گیر می دهند که چرا بانک مرکزی نرخ ارز را به امان خود رها کرده که این قدر وحشتناک شده است!

رابطه پادرد و کاهش آمار ازدواج!

- سلام مجرد!
- سلام متأهل!
- چرا ازدواج نمی‌کنی مجرد؟!
- چون سرم درد نمی‌کنه متأهل!
- ازدواج چه ربطی به سردرد داره مجرد؟!
- خب سری که درد نمی‌کنه رو دستمال نمی‌بدن متأهل!
- اوه اوه! این حرفت بدآموزی داشت مجرد! بیهو دیدی مطلبت سانسور شد، صفحه طنز تعطیل شد، سردبیر هم به جزایر لانگرهانس از توابع پارکینسون تبعید شد!
- عه! چیزه! ببخشین! منظورم این بود که چون پام دردمی‌کنه، متأهل!
- ازدواج چه ربطی به پادرد داره مجرد؟!
- ازدواج خرج داره؛ خرج وام می‌خواد؛ وام صف طولانی داره؛ توی صف واستادن، پای سالم می‌خواد متأهل!
- حالا تو ازدواج کن مجرد! بالاخره نوبت وام ازدواج می‌رسه. تا اون موقع بچه دار هم می‌شی و خیر و برکت می‌آد توی زندگی!
- فرزندآوری خرج داره؛ خرج وام می‌خواد؛ وام صف طولانی داره؛ توی صف واستادن پای سالم می‌خواد متأهل!
- حالا تو ازدواج کن مجرد! برای وام فرزندآوری هم خدا بزرگه! شاید اصلا به بچه نرسیده، وسط راه جدا بشی!
- طلاق خرج داره؛ خرج وام می‌خواد؛ وام صف طولانی داره؛ توی صف واستادن، پای سالم می‌خواد متأهل!
- حالا تو ازدواج کن مجرد عزب! [...]، [بوق]، [...]، هزینه وکیل و دادگاه و مهریه رو به کاری ش می‌کنی! اصلا شاید افتادی مردی و راحت نندی!
- مرگ خرج داره؛ خرج وام می‌خواد؛ وام صف طولانی داره؛ توی صف واستادن، پای سالم می‌خواد متأهل!
- نه! مثل اینکه تو زبون خوش حالی نمی‌شه مجرد! باید با یه یون دیگه باهات حرف بزنم!
- زبون دیگه یادگرفتن خرج داره؛ خرج وام می‌خواد....
- این یکی خرج نداره، واستا تا نشونت بدم مجرد!
- عه! این ساطور و چاقو چیه؟! اسلحه شکاری از کجا آوردی متأهل؟! ط کردم!
- اینا ملزومات ازدواجه مجرد! کجا داری فرار می‌کنی؟! دیدی پادردت ب شد! واستا دیگه!

کُتُو خُ



منصوره احمدی

نشست خبری وزیر جهاد کشاورزی با خبرنگاران



شنیدین
رئیس انجمن حبوبات
گفته تا آخر سال
حبوبات ۱۰۰ درصد
کاهش قیمت خواهد
داشت؟ صد درصد کم
بشه که یعنی مجانی!

[illegible]

به گزاري نشست علني، مجلس به صورت مجازي با حضور ۴۷ نماينده



۳۹ نفر که کلا
آنلاین نشدن. به بقیه
هم دسترسی دوربین
می‌دم. یکی درمیان یا
دوربینشون وصل نمی‌شه
یا گوشی شون از بیخ
دوربین نداره. فکر کنم
حاضری می‌زنن
و می‌رن.

نه. چیزه قربان، چون توی
خونه هستن، با عرق گیر و زیرشلواری
لباستشون نامناسبه، وگرنه پای
سیستم نشستن.

۳ بازسازی صحنه قتل قهرمان کمراسفیت خراسان رضوی در تالار عروسی



خب؟ بعدش؟
کن دیگه. یه ساعته
علاقمون کردی.

هفت تیر رو که کشیدم،
هنگ دقیا رسید به «امشب»
شه لپک لیلی لونه» یکی اونجا
ست بندری می لرزوند. تا یکی تو
وانسته اونجا برقصه،
قتل نم، آد حناب.

اختتامیه اجلاس رؤسای آموزش و پرورش کشور با حضور معاون اول رئیس جمهور



صبح رفتم سیب زمینی
بخرم، می‌گه کیلویی صد تو
نبه نه ها، سیب زمینی صد تو
عارف! سیب زمینی!

چیه همین سبب زمینی؟
بهش نشاسته و کربوهیدرات و
دیگه به سن و سال ما نمی خوره
سمت این جور خوراکیای ناسالم
کاظم جان.

همه مواد فروش‌ها که بد نیستند!

را بخیرید، یعنی تنها بخش منطقی مرغ همان جایش است و اصلاً تعجب نکنید؛ چون بقیه وجود مرغ کاملاً غیر منطقی بوده است!

مفیدترین درمان هفته: اخبار حاکی از گران شدن نجومی داروهاست و قیمت برخی داروها حدود چهار برابر شده است. البته اصلاً نگران نباشید؛ اگر دارو نخورید، فقط یک درد خواهید داشت، ولی اگر دارو بخورید، هزار مشکل پیدا می‌کنید! کافی است یک شیشه شربت از درب یخچال بردارید و عوارض جانبی درج شده روی آن را بخوانید: سردرد، سرگیجه، تنگی نفس، خارش، مشکلات گوارشی، تهوع، عدم تمرکز، دل درد و... تازه خیلی از عوارض روی شیشه جا نشده است و ننوشته‌اند، وگرنه در ادامه فهرست عوارض، احتمال صدور گواهی فوت پس از مصرف هم به چشمتان می‌خورد.

می‌کنند. حتی آن چیزهای چندشی را که خودتان می‌دانید منظورمان چیست اضافه نمی‌کنند و آن‌ها را پای درخت باغچه حیاطشان می‌ریزند تا گیاهان بهتر رشد کنند.

منطقی‌ترین افزایش هفته: در حالی که طبق آمار مرکز آمار، تورم مواد غذایی به ۱۲۸ درصد رسیده است، رئیس بانک مرکزی گفت: «رشد ۲۳ درصدی برای افزایش کالابرگ منطقی است». این یعنی واژه «منطق» در فرهنگ لغت جدید مسئولان کلاً در یک فاز دیگر است؛ اگر تورم مواد غذایی ۱۲۸ درصد رشد کند، افزایش ۲۳ درصدی کالابرگ کاملاً «منطقی» است! طبق این منطق، اگر خانه‌انگردد خانه‌تان آتش گرفت، ریختن یک لیوان آب روی آن منطقی‌ترین روش برای اطفای حریق است. بنابراین اگر به فروشگاه رفتید و دیدید با کالابرگ جدید فقط می‌توانید از کل یک مرغ، استخوان گردنش

پاک‌ترین مواد فروشان هفته: فرمانده نیروی انتظامی استان خراسان رضوی گفت: «مواد فروش‌ها با اضافه کردن موادی از جمله سرب، چای خشک، جگر مرغ، خون منجمد، شکلات تلخ و دیگر ناخالصی‌ها، اقدام به افزایش حجم جنس خود می‌کنند که سبب افزایش احتمال سرطان در مصرف‌کننده می‌شود». البته همان طور که هر قشری خوب و بد دارد، مواد فروش‌ها هم بینشان آدم خوب زیاد پیدا می‌شود! نمی‌گویم موادی که دست مشتری می‌دهند ناخالصی ندارد، ولی دست‌کم ناخالصی سرطان‌زا نمی‌زند و مانند بعضی همکاران محترم مواد فروش‌شان نیستند که چرم مصنوعی، کلیشه رادیولوژی یا سرب اضافه کنند و باعث شوند کلیه، طحال و مغز مشتری به خاطر مواد شیمیایی داخل جنس آسیب ببیند. آن فروشندگان خیراندیش، فقط چیزهایی مثل نان سنگک سوخته، آرد نخودچی یا مثلاً جگر مرغ اضافه

پزشکیان: در نهاد ریاست جمهوری

۸۰ درصد در مصرف آب، برق و گاز صرفه‌جویی کردیم!

مجمع حل مشکلات کشور

- قایم‌باشی: مسعود جان، دمت گرم! چطوری مصرف آب و برق و گاز رو این قدر کم کردی؟ 🙌
- آره، من خودم نهایتاً نونستم ۲۰ درصد صرفه‌جویی کنم. توان ۸۰ درصد رو کجا کم کردی؟ 🙌
- پزشکیان: ای بابا، من که کاری نکردم! دوستان خودشون زحمت کشیدن و به صورت خودجوش مصرف رو آوردن پایین! 🙌
- وزیر: قربان، من دو ساعته دارم روی این دو چرخه تولید برق پا می‌زنم، دیگه جون ندارم! نوبت وزیر بعدی کی می‌رسه؟ 🙌
- سخت‌گوی دولت: خاک عالم، ببخشید! داشتم برای تهویه جلسات با دبزن دستی درست می‌کردم. یادم رفت نوبتارو اعلام کنم! وزیر بعدی، وزیر صنعت و معدنه. 🙌
- صنعت و معدن: من دارم روی اون دستور کردن گودال کار می‌کنم که مواد غذایی فاسد شدنی رو بذاریم توش خراب نشن! دستم بنده. 🙌
- همتی: همتی، پس توبه جاش برو، کار خودته!
- همی: رئیس، گفته بودین گرم شد، لباستون رو کم کنین. دیگه این قدر کم کردیم، قابل پخش نیست، شطرنجی ایم الان. 🙌
- چهارم‌وزری: وزیر جهاد کشاورزی، داداش، شما برو با بزن!
- وزیر جهاد کشاورزی: قربان، من تازه به مقدار چوب جمع کردم، می‌خوام آتش روشن کنم، ناهار بار بذارم، شرمنده. 🙌
- وزیر راه: ببخشین، غذا رو هم با آتش درست می‌کنین؟ 🙌
- وزیر راه: نخوردین تا حالا؟ همچین طعم زغالی آتشی خوبی می‌ده! مزه پیک نیک می‌ده. 🙌
- وزیر راه: حاجی من واقعا موندم شما با این وضعیت، اون ۲۰ درصد باقی مونده رو چه جوری مصرف می‌کنین پس! 🙌
- وزیر راه: همه ش تقصیر این عباسه! شبامی آد زنگ بزنه این وراون ور، چرا غار روشن می‌کنه. 🙌
- وزیر راه: من قربان؟ کی گفته؟ من شمع روشن می‌کنم. 🙌
- وزیر راه: پس این ۲۰ درصد کجا داره مصرف می‌شه؟! همه بیان اتاق من، جلسه! همین الان! 🙌
- وزیر راه: آقا من دیگه واقعا نمی‌تونم! پام بی حس شده! 🙌
- وزیر راه: تو فعلاً با بزن! کل دوران وزارتت یک ورزشگاه آزادی خواستی بازسازی کنی، هنوز تموم نشده! اما شا!... تنبلی نکن. 🙌

وزیر کشاورزی: مواد غذایی ارزان شده؛ چرا می‌گویید گران شده است؟ (فارس)

نگو دائم به من افسوس، افسوس
نگو با من گرانی هست ملموس
دوباره صرف کردم من برایت
در این فرمایش از افعال معکوس!

آتلانتیک: ترامپ فقط جرئت قلدری برای متحدها ضعیف‌تر دارد (ایستنا)

گرچه همچون آفتی مستر ترامپ
خوب خوردی ضربتی مستر ترامپ
قلدری، اما برای جوجه‌ها
لات کوچه خلوتی مستر ترامپ

قایم‌باشی: آمریکا به دنبال خروج آبرو مندان از منطقه است. (کیهان)

«اگر بار گران بودیم، رفتیم»
چنین یا که چنان بودیم، رفتیم
فقط بردیم از خویش آبرویی
اگر در کل زیان بودیم، رفتیم

مهموبه حمایت از خرابکاران خود رو باطل شد. (عصر ایران)

ما مدیریم، از خود احساس رضایت می‌کنیم
ما حقوق مردمان را هم رعایت می‌کنیم
ما همیشه حامی یک عده بودیم ای رفیق
بعد از این هم از فروشنده حمایت می‌کنیم

بهترین راه مواجهه با درد پرت کردن حواس است. (یورونیوز)

هان! چه کس گفته که رفع درد را از ریشه کن؟
یا که در رفش بکوش، آخر کمی اندیشه کن
پرت کن کلا حواس خویش را از مردنت!
نوشدارو تا بیاید بی خیالی پیشه کن!

روز نوشت های مسئول بهینه ساز سوخت

سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه سازی، گفته است: «اگر میزان مصرف بنزین خودروهای داخلی مشابه خودروهای روز دنیا بود، الان شاهد ناترازی در تولید و مصرف بنزین نبودیم.» به گفته وی «بخش بزرگی از مصرف بنزین کشور در موتور خودروهایی هدر می رود که جای دیگر شبیه آن وجود ندارد.» ضمن تشکر از ایشان که شاید اولین مسئولی باشد در مملکت که یک مشکل را گردن مردم نینداخته است، به طور خیلی اتفاقی (مانند هفته های پیش) به روز نوشت های یک مسئول دست پیدا کردیم. با هم دفتر را ورق می زنیم تا ببینیم مسئولان برای این وضعیت خودرو بنزین چه زحماتی می کنند.

این مثل اون، اون مثل این

این بساط بنزین هم حسابی روی مخ است. از همه طرف به ما فشار می آورند که اوضاع را درست کنید. خب مگر کار من یک نفر است که این بلبشو را سر و سامان بدهم؟ آقای سقاب گفته است اگر مصرف بنزین خودروهای داخلی مثل خارجی ها بود، ناترازی نداشتیم. خب این را که همه می دانند، هممه. بر همین اساس، امروز در جلسه پیشنهاد دادم تا مصرف بنزین خودروهای داخلی مانند خودروهای خارجی شود. اعضای جلسه با تعجب منتظر توضیح راهکارم بودند که ادامه دادم: حالا که زورمان به خودرو سازهای داخلی نمی رسد تا محصولاتشان را بهینه کنند، بهتر است با خودرو سازهای خارجی وارد مذاکره شویم تا موتور خودروهایشان را مانند ما بازسازی کنند. این طوری هم میزان مصرف خودروهای ایرانی و خارجی یکی می شود و هم دیگر این قدر انتقادها روی مصرف داخلی نخواهد بود. اعضا به فکر فرو رفتند.

خب بیشتر تولید کنیم

امروز داشتم حسابی فکر می کردم که ناگهان به این نتیجه رسیدم: یکی از مشکلات ما بعد از مصرف زیاد خودروهای داخلی، تولید کم بنزین است. وقتی نمی توانیم خودروهای داخلی را درست کنیم، خب تولید بنزین را افزایش دهیم. فوری تلفن را برداشتم و به دفتر رئیس زنگ زدم. فکر بگرم را مطرح کردم. رئیس چند ثانیه ای ساکت شد. فکر کردم ارتباط قطع شده است. بعد صدای نفس عمیقی آمد و آقای رئیس گفت: «یادم باشد این دفعه که دیدمت، به موضوعی رو حضوری بهت بگم.» فکر کردم می خواهد تقدیر و تشویق کند. گفتم: «خب همین جا بفرمایین.» لحن صدایش عوض شد و گفت: «پشت تلفن نمی شه، دستم بسته ست!» هنوز در فکرم که چرا و چه کسی دست های آقای رئیس را بسته است؟!

همانولت و صنعت

جلسه ای داشتیم با حضور مدیران صنعت خودرو و مسئولان دولتی، درباره همین ناترازی بنزین. جلسه خوبی بود. همه حاضران سر همه مسائل با هم توافق نظر داشتند. همه می گفتیم بنزین کم است، خودروها زیادی مصرف می کنند، مجبوریم بنزین را سهمیه بندی و گران کنیم و... واقعا آدم لذت می برد از این همدلی که بین مسئولان کشور وجود دارد. هیچ کس با جلسه هم طبق معمول عکس یادگاری گرفتیم و هدایایی به رسم یاد بود به هم تقدیم کردیم. باید بیشتر از این جلسات برگزار کنیم. نیاز به هم اندیشی و تبادل اندیشه و هم فکری و همکاری بیشتری داریم. وحدت بین دولت و صنعت خیلی مهم است.

جوانان نامتعالی

چند ماهی است که یک جوان پیغام و پسغام می دهد، تلفن می زند، ایمیل می دهد و... تا به گفته خودش موضوع مهمی درباره بهینه سازی مصرف بنزین ارائه دهد، ولی وقت نداشتم به حضور بخواهمش. امروز دیدم یک نفر در اتاق انتظار نشسته است. منشی گفت همان جوان است. قیافه مقبولی داشت. مثل این بچه درس خوان ها بود. توی عمل انجام شده قرار گرفتیم و به دفتر راهش دادم تا در عرض پنج دقیقه حرفش را بزند. از شدت ذوق صدایش می لرزید. می گفت موتوری اختراع کرده است که صدی یکی دو لیتر

بنزین می سوزاند و دودش هم تصفیه می شود و دوستدار محیط زیست است و هزینه ساختش یک دهم موتورهای موجود است و همه چیزش داخلی است و ارزبری ندارد و حتی امکان تولید انبوه در زمان کوتاه و صادرات هم دارد. همه مدارک و اسنادش را هم آورده بود. من که چیزی سردر نمی آوردم، ولی گفتم برو پیش خودرو سازها و طرحش را به آن ها بدهد. نمی دانم چرا وسط اتاق روی زمین نشست و شروع کرد به گریه کردن و لپ تاپ و کاغذها و بند و بساطش را توی سرش می زد. متأسفانه جوان های الان تعادل روحی و روانی ندارند؛ از بس سرشان توی گوشی است و در شبکه های اجتماعی می چرخند.



کارتون: شهرام شیرزادی

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینبی

گزارشی از یک آزمون مهم

نمره بیست کلاسو!

چادر مسافرتی و جیره خشک به همراه دارند تا در صورت تعویق ناگهانی جلسه، همان جا زندگی جدید خود را آغاز کنند.

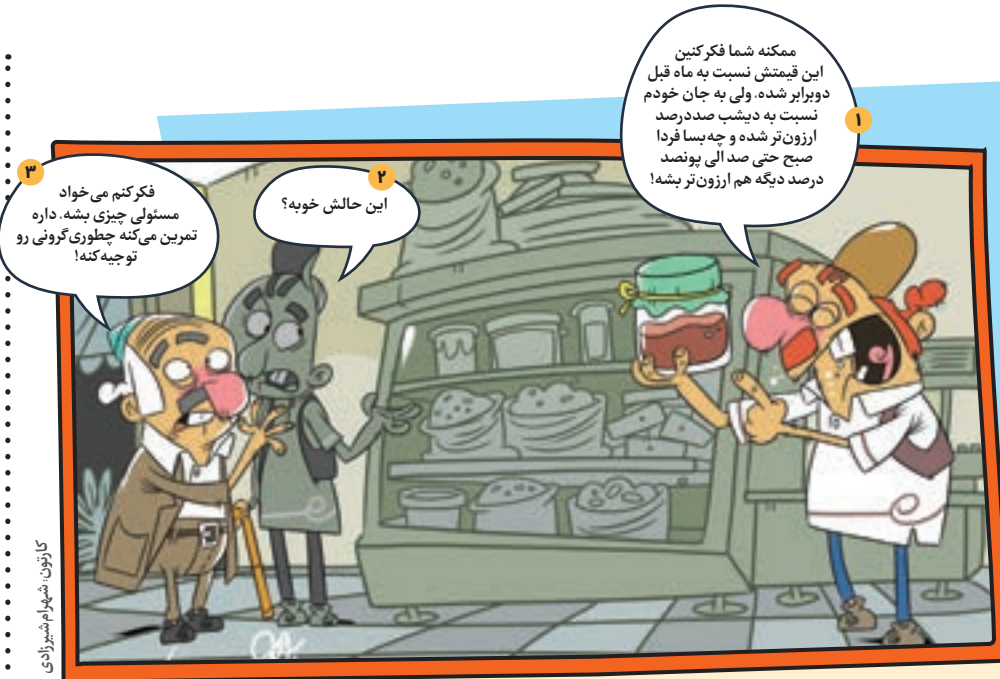
حاضران در صحنه گزارش می دهند که بازار سیاه فروش سؤالات کنکور چنان رونقی دارد که حتی شرکت های بزرگ استارتاپی هم به آن حسادت می کنند. یکی از این داوطلبان ساده دل کنکور هنر که برای خرید سؤالات قطعی مبلغ هنگفتی را

به گزارش خبرگزاری استرس نیوز، کنکور سراسری که در سال های اخیر به جای یک آزمون علمی به یک دو استقامتی روانی تبدیل شده است، چندمین بار با تغییر زمان مواجه شد. این تغییرات مداوم که برای بسیاری از داوطلبان حتی از تغییرات آب و هوایی هم پیش بینی ناپذیرتر شده، به حدی است که گزارشگران ما در حوزه های امتحانی مشاهده کردند داوطلبان به جای جزوات درسی،

بررسی میدانی وضعیت بازار بارکایت نکات ایمنی

گیرک (۳)

عبید ماکارانی



کانون، شهرام شیرزادی

آقای وزیر کشاورزی گفته است: «قیمت اغلب کالاهای اساسی و مواد غذایی نسبت به هفته گذشته و نسبت به ماه گذشته رو به پایین است». ایشان برای این جمله شگفتانه خود مثال هم زده است که: «مرغ سال گذشته ۱۴۰ هزار تومان بود، الان بیش از ۳۷۰ هزار تومان است!» اگر شما هم به صرافت به نیکی یاد کردن از معلم ریاضی ایشان افتادید، خودشان قضیه را این جوری جمع کرده اند که: «جنگ روی افزایش قیمت ها تأثیر گذاشته و قیمت های جهانی ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش یافته و کرایه های حمل بین المللی ۱۲۰ تا ۲۰۰ درصد بیشتر شده است». عجب! خبرنگار ما سری به بازار زد تا از نزدیک وضعیت را رصد کند و اوضاع را از زبان خریداران و فروشندگان بشنود.

خانم، شاغل، هنگام خرید از سوپرمارکت

من سه شنبه یه قالب پنیر خریدم ۱۵۰ تومن، امروز می گه شده ۲۲۰ تومن. ممکنه من ریاضی م خوب نباشه؛ از شما می پرسم که این افزایش قیمته یا کاهش؟ نه، جدی حساب کنین؟ چرا عقب عقب می ری؟ شاید من با مدرک ارشد، حساب و کتابم ضعیف باشه و آقای وزیر بهتر از ما می دونن، نه، جدی... خودت حساب کن... واستا! کجا فرار کردی؟ (خدا را شکر به موقع توانستیم جاخالی بدهیم و برویم سراغ نفر بعدی.)

آقا، باز نشسته، صدف خرید مرغ

لطفا از آقای وزیر بپرسین اگه کلا ارزونی این جوری، یه لحظه... داداش کالابرگ بزن! چی؟ فقط نصف مرغ می شه؟ لااقل یه جوری تیکه کن که به مهمون بگیم این مرغش یه پا داشته! بله، عرض می کردم؛ اگر هم ایشون سرارزونی داشتن شوخی می کردن که باید بگم من با این سن و سال دیگه حوصله شوخی ندارم، برمی گردم به چیزی می گم که... (خوشبختانه خبرنگار ما به موقع در اینجای صحبت این آقا میکروفن را خاموش کرد.)

خانم جوان، فروشنده زیورآلات و بدلیجات

این اجناس رو می بینین؟ اینا رو خودم می رفتم از خارج می آوردم. بعد که مرزا بسته شد، کار ما هم کساد شد و افتاد دست دلال و قاچاقچی و... ولی جالبه، اون زمان که دلار ارزون تر بود و قانونی جنس وارد می کردیم، جنس ما گرون تر درمی اومد، ولی از وقتی کار غیرقانونی شده، برای ما ارزون تر درمی آد و ما هم می تونیم به مشتری با قیمت پایین تر بفروشیم. البته اگه قبض آب و برق گاز و اینترنت و مالیات و اجاره مغازه و کوفت و زهرمار و درد بی درمون و... بذارن... (متأسفانه به دلیل قطع برق و بسته ماندن درب برقی فروشگاه، عملیات فرار خبرنگار ما با شکست مواجه شد و فعلا اطلاعی از ایشان در دست نیست!)

آقا، فروشنده گل و گیاه

(دست خبرنگار ما را می گیرد و به داخل مغازه می کشد.) جون من نگاه کن... این فاکتور خرید ماه پیشمه، خاک گلدون و کود خریدم... این هم فاکتور خرید این ماهه... ببین... قیمت خاک و کود دو برابر شده! به فروشنده می گم این چه وضعشه؟ می گه تأثیر جنگ و افزایش قیمت دلار و کرایه هاست... می گم بی انصاف، الان خاکی که از حاشیه شهر می ریزی توی کامیون و بسته بندی می کنی، چه ربطی به این چیزا داره؟ می گه این قیمت الانه، اگه نخری فردا گرون تر شده! آخه درسته؟ نه، این درسته... (با اینکه دست خبرنگار ما از جایی که فروشنده گرفته بود کمی بکود شد، این بار هم به خیر گذشت.)

۵

۳۱ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۷

پایه ۴

سؤالات درس شیمی، سه روز پیش از آزمون در گروه خانوادگی فامیل مالورفته بود و دابی بنده که دیپلم نظام قدیم دارد، توانست آن را با روش آزمایش تجربی حل کند. به گفته بزرگان فامیل یک منبع آگاه، در پی این وضعیت، ارزش مدرک تحصیلی که تا پیش از این تا حد کارت عضویت باشگاه مشتریان هاپیرمارکت کاهش یافته بود، امروز به درجه کاغذ باطله چاپ دوم سقوط کرد.

شبکه آموزش وصل می شد تقلب کند، هنگام پاسخ دهی به سؤالات ریاضی، ناگهان به جای فرمول مشتق، حاصل ضرب دو رقم در سه رقم را با صدای بلند فریاد زد. نام برده از حوزه امتحانی اخراج و به والدینش تحویل داده شد. منابع آگاه «استرس نیوز» می گویند برخلاف ادعای سازمان سنجش مبنی بر امنیت صد درصدی قرنطینه، این قرنطینه چنان سوراخ سنبه دارد که گفته می شود یکی از

به یک کلاهبردار اینستاگرامی پرداخته بود، پس از بازکردن فایل رمزدار سؤالات، با برگه امتحان درس هنر سال اول متوسطه و یک لینک دانلود رایگان سمفونی سوم بتهوون روبه رو شد. شاهدان عینی اظهار کردند که متدهای تقلب هم امسال وارد فاز علمی تخیلی شده است. یکی از داوطلبان که قصد داشت با استفاده از یک هندزفری فوق مینیاتوری که مستقیم به



سازمان تأمین اجتماعی: **بخش‌الشان**

حقوق مرداد بازنشستگان طی سه روز پرداخت می‌شود کفایت می‌کند

برای اینکه اندازه مصرف صفحه ۶

وزرای خارجه قطر و عربستان بر ضرورت تضمین بیرون آمدن

راحت قطعات میوه نه موهلی اهمیت کشتی رانی تأکید کردند

آتلانتیک:

ترامپ فقط جرئت

فدایی برای متحدان

تضعیف تر را دارد زدن

برای داوطلبان کنکور سوابیل و سلامت هستند

نوشتن: باشه، چشم! در داخل مستطیل «اینجا چیزی ننویسید» می‌تواند محرومیت ده‌ساله داشته باشد

نفت کش اماراتی که کریه در دریا داشت

نفتکش اماراتی می‌خواند توقیف شد

یک تحلیلگر اسرائیلی:

شست و شوی مغزی مردم اسرائیل با مایع ظرف شویی و

آپار تاید در کرانه باختری

به سیاست رسمی اسرائیل تبدیل شده است

لیدر هدیه دادن

کنسول جدید بازی از طرف

پاکستان در مشهد با به

ریاست نمایندگی وزارت

امور خارجه

همتی:

نگران تأمین

کالاهای اساسی

نباشید، خود شخصاً تمام

دارو ندارم رانی دهم

تا اعتبار کالا برگ تأمین شود

نمایشگاه

آرش آرپایی

یرگه

معاون بهداشت وزارت بهداشت: امید به زندگی کشور به هشتاد سال رسیده است.

اندر تفاوت بین رؤیا و واقعیت

واقعیت



۱ ایشالا این وام امروز جور شه. بچه‌ها آخر هفته قراره شام بیان خونه‌مون.

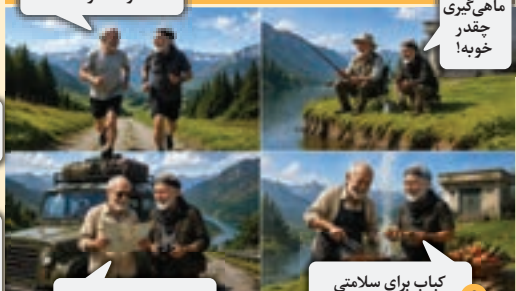
۱۱ ولی باز هم خدا روشکر، اگه همین لگن نبود، چطوری می‌خواستیم قسطا رو بدیم؟

۸ حاجی، اگه گوشت بهمون نرسه چی؟

۱۰ اینارو برداریم باید تا هشتاد سالگی قسط بدیم‌ها! برداریم؟ مطمئنی؟

۵ ورزش توی این سن واقعا لازمه.

ایده آل ذهنی



۷ کل دنیا رو می‌گردیم و از زندگی لذت می‌بریم.

۶ کباب برای سلامتی معرکه ست.

۴ حاجی، ایول! ماهی‌گیری خوبه!



۳ باید تا آخر عمر چی کار کنم؟

۲ ایشالا از بقیه عمرت لذت ببری.

۱ آقا مبارکه!

بیخود که غول

کیا موتورز و هیوندا وال‌جی و سامسونگ

نمی‌شن؛ هرچی گیرشون می‌آد، مثل بچه آدم می‌خورن و می‌چسبن به کار.

اون وقت ایرانی اصرار که همه یا گوسفند بخورن یا گوساله.

بوفالو آوردیم همه اه‌اه و پیف پیف؛ یکی می‌گه بوفالو

دوپایانه یا چارپایان؟ هزارپایانه

اصلا، خوب شد؛ دو زار سواد

زیست جانوری و راز بقا ندارن.



وزیر کشاورزی

یکی نیست بگه جومونگ، بشین سگت

رو بخور. مجبوری رسانه‌ای ش کنی

که بعد حقوق حیوانات

پاچه‌ت رو بگیره؟ والا ما خودمون

کالباس گربه‌مذگان داریم، دیدی

جایی جار بنزیم عالم بفهمه؟ یه

چیز شخصی و خانوادگیه بین

خودمون! ولی مشترکات فرهنگی ایران و کره روداشتی؟ اونام عین

ماغذای فصلی دارن؛ ما تابستونا آب دوغ خیار می‌خوریم، اونا

سگ!



مهاجرانی

آخرین سگ خوری تابستانی در کره جنوبی؛

۸۲ درصد مزارع پرورش سگ برای مصرف انسانی تعطیل شده‌اند.

سن بالاها هنوز دنبال سوپ سگ هستند.

(عصر ایران)



به‌وا... که لنگه عاطفه ایرونی توی دنیا نیست. اینجا نوه می‌ره خونه مامان بزرگ بابابزرگ، سریع یه خروس پخ پخ می‌کنن. یه پلومرغ بار می‌ذارن، خانواده دور هم جمع شن. اونجا سن بالاها نشستن که یکی براشون سوپ سگ بار بذاره؟ خب پاشو آستین بالا بزن پیری، بالاخره یه بوشوگی، هاپوکوماری، رکسی، چیزی توی هر خونه‌ای پیدا می‌شه. بزن زمین، یه سوپ (که تازه غذا هم نیست) بذار، هم هوس خودت می‌ره، هم یه منتی سرعروس و پسر گذاشتی. والا.



مریم امیرجلالی

ناسوس

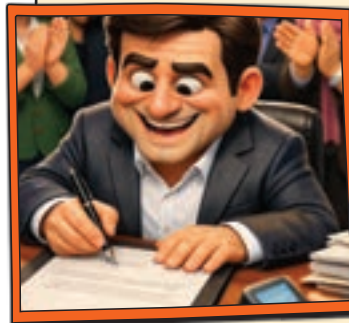
فرشته شاهان

۳۱ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۷

به جز شغلم!

روزهای من عجیب آغاز می شود. هر روز که از خواب پا می شوم، یک چیزی را ندارم، ولی چند روز بعدش آن را دوباره دارم و چیز دیگری ندارم! این بار شنوایی ام را از دست داده بودم و از بد حادثه، مدیرعامل شرکت من را با برکه ای به مأموریتی فرستاده بود که نمی دانستم چیست! روی برکه چندین درخواست مبهم (شرایطشان بررسی شود، چه امکانات و ظرفیت هایی دارند و...) و یک نشانی قید شده بود. به محل نشانی قید شده در برکه رسیدم، یک شرکت بزرگ بود. مدیر آنجا با گرمی دستم را فشرد و شروع کرد به گفت و گو. نیم ساعت تمام لب هایش بالا پایین می رفت. من هم هر چند دقیقه ابروهایم را بالا و پایین می انداختم و گهگاهی به نشانه تأیید، سری تکان می دادم که یعنی بحث کاملاً دقیق و کارشناسی است! در نهایت ما را بردند پشت میزی که برکه های قرارداد را روی آن گذاشته بودند. هر دو امضا کردیم و عکس گرفتند و حضار تشویق کردند. مدیر شرکت مربوطه طوری دستم را فشرد که حاکی از رضایتش بود! نشست خبری گذاشتند و سؤال و جواب! فردایش روزنامه ها عکس من را زده بودند و همگی از جواب های من شگفت زده شده بودند؛ جواب هایی که از پیش حفظ کرده بودم و شناسی به عنوان پاسخ گفته بودم!

روز بعد که به اداره برگشتم، مستقیم رفتم اتاق رئیس. با عصبانیت یک برکه دیگر داد دستم که برکه اخراج بود! با



مریم امیرجلالی: این متد آموزشی دمیایی روی به نظرم روی وزیر هم باید پیاده کنیم که جهت ها رو یاد بگیره.

سایپا: ایشون که وزیر دست چپ و راست رو گاهی اشتباه می کنه. بعد به ماشینای ما گیر می دن که چرا راهنمای چپ و راست اشتباه می زنه. 🤔

وزیر ارتباطات: والا آموزش یه کم دیگه مجازی بمونه. مدارس باید برن زیر نظر وزارت ارتباطات تا آموزش و پرورش. اینا چطوری خسته شدن؟ 🤔

امیر قلعه نویی: متأسفانه این جهت یایی نادرست یک مشکل پایه توی بازیکنای ما هم هست. اگه بازیکن دروازه رو درست می دیدن، با تکتیکای من تا نیمه نهایی جام جهانی رفته بودیم. 😊

وزیر ورزش و جوانان: دوستان اگه خیلی به ورزش علاقه دارن، بیان ورزشگاه آزادی یه کمکی برسون، ایشالا امسال دیگه بتونیم ورزشگاه رو تکمیل کنیم. 🏆

طغرل برره: این که وزیر مملکت، ببینین دانش آموزا با آموزش مجازی چه شومیتهای کته کله ای شدن! 😞

هگست: این پاتریوتای ما هم هر طرف موشک ایرانی بره، اونا جهت مخالفش می رن. 🤔

پزشکیان: دوستان نگران نباشید. وزیر درساش رو خوب خونده. من تحقیق کردم. چون صفحه گوشی تصاویر رو قرینه نشون می ده، جهتا رو اشتباه یاد گرفته، وگرنه جمع و تفریقش عالیه. 🤖

ایجو، مگفتن

معاون وزیر بهداشت:

با اجبار و چوب و چماق، جمعیت زیاد نمی شود.

(رکنا)



پدر:

با ریختن یک چهارلیتری آب بیشتر داخل قابلمه آب گوشت، مشکل آمدن ۱۰ مهربان اضافه حل نمی شود.

وزارت راه و شهرسازی:

مشکل مسکن با ارسال کد یازده رقمی قرعه کشی یک آپارتمان مبله زیر ظرف ماست کم چرب حل نمی شود.

دبیر خانه سینما:

مشکل پشت سر شما حرف زدن، با نشستن شما در ردیف آخر سینما حل نمی شود.

حداد عادل:

مشکل ورود لغات بیگانه با گفتن رایانک مالشی به جای تبلت حل نمی شود.

سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری:

ارتقای فرهنگ شهروندی با نوشتن «لعنت بر پدر و مادر کسی که اینجا آشغال بریزد» حل نمی شود.

شمار مجردهای قطعی در ۷۵۲ برابر شده است (شهرآرا)

مجرد صد در صدی!

مثل بعضی‌ها اگر که بنده کاری داشتم
مثل آن‌ها هم کنون من گل‌گذاری داشتم
مثل آن‌ها گل‌گذاری داشتم در عقد خود
گر که با این دکترایم، بنده کاری داشتم

با اگر بیکار بودم، مثل ایرج، دوستم
لااقل بابای خیلی مایه‌داری داشتم

بود بازاری پدرجانم و من با افتخار
در میان اهل کوچه اعتباری داشتم

داشتم یا اینکه در خود یک ژن خوبی، از آن...
در میان این جماعت افتخاری داشتم

داشتم این آخری را من اگر، حد اقل
جای این «من‌کارت» الان، یک فراری داشتم

داشتم یک خانه‌ای، این سمت آن یک کورکودیل!
آن طرف هم یک دوتا باز شکاری داشتم

من کجا بودم مجرد گر که بابایی وزیر
یا ددی جان سفیر و مستشاری داشتم؟

بنده هم دل دارم و عاشق شدم یک چند بار
مثل مجنون قلب پاک و بی‌قراری داشتم

هر کجا رفتم شنیدم پاسخ منفی ولی
زین سبب هر لحظه چشم اشک‌باری داشتم

اشک می‌گویم تو از آن ساده مگذرای رفیق
چون نیاگارا به صورت، آبشاری داشتم!

تازه من هستم پسر، بودم اگر دختر، کنون
جای ماندن توی خانه، خواستگاری داشتم

می‌گذشت از ازدواجم چند ماهی این زمان
صبح یا شب هر زمان، بیخود ویاری داشتم!

چون که بودم فارغ از این‌ها چنین وضعم شده
من به این علت همیشه بدبختی داشتم

کی مجرد بودم آن هم قطعی و صد در صدش؟
کی چنین احوال زار و روزگاری داشتم؟

راهکارهای تسهیل ازدواج

بسته‌های حمایتی دولت



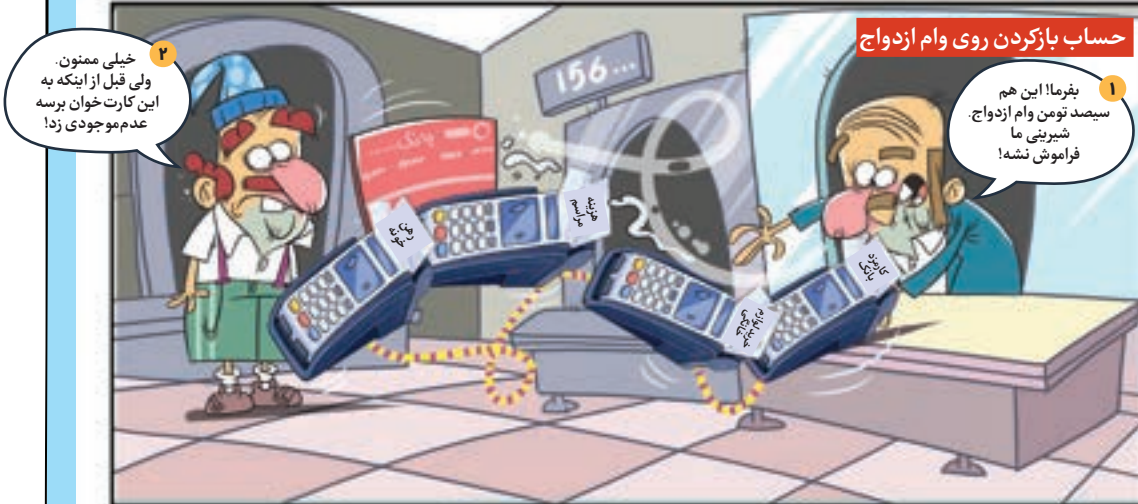
حمایت خانواده



صرفه جویی در مراسم



حساب بازکردن روی وام ازدواج



معرفی نامزد با علایق مشترک



استفاده از مشاور



شوخی



الهه آریان

الهی!

حالا که امید به زندگی مان به هشتاد سال رسیده
است، کاری کن تا امید به موجودی حسابمان هم از
هشت روز در ماه فراتر رود.

پلخمون

صاحب امتیاز: شهرام شیرزادی
مدیر مسئول: سیدمجتبی موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
مدیر ضمیمه: آرژنگ حاتمی
مدیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
مدیر هنری: سید هاشم دافقی
گرافیک و صفحه آرایی: ملک جمعی
ویراستاری: علیرضا میرزاد

پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahrararnews.ir

نسخه طنز و کاریکاتر روزنامه شهرآرا